

اسماعیلی: حجاب قانون است تأیید ممنوع الکاری تعدادی از بازیگران زن از سوی وزیر ارشاد

وزیر ارشاد گفت: درباره ممنوع الکاری بازیگرانی که کشف حجاب کرده‌اند ما قبلا هم اعلام کردیم که حجاب قانون است. تسنیم نوشت:



محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه هیات دولت گفت: درباره ممنوع الکار شدن بازیگرانی که کشف حجاب کرده‌اند ما قبلا هم اعلام کردیم که حجاب قانون است و ما قانون را اجرا می‌کنیم و من چندین بار اعلام کردم که کار کردن برای کسانی که قانون را اجرا نمی‌کنند، امکان پذیر نیست.

ضرغامی خبر داد:

موافقت دولت با لغو روایت بدیعی کشورها

وزیر میراث فرهنگی و گردشگری گفت: امروز در دولت پیشنهاد لغو روایت بدیعی برای بیشتر کشورهای مطرح شده رأی آورد و ادامه بررسی‌ها نسبت به برخی کشورها که ملاحظاتی در باره شان وجود داشت، به جلسه آینده موکول شد. به گزارش اسپنا، عزت‌الله ضرغامی در حاشیه جلسه دپروتز هیات دولت، یادآور شد: امروز به عنوان یک ضرورت گردشگری، درهای کشور باید باز شود و مردم دنیا به ایران بیایند. این مزیت نسبی ماست. هر گردشگری که به ایران می‌آید با وجود برخی مشکلاتی که در کشور داریم، دیدگاهش در نظر سنجی‌ها بالای ۹۰ درصد نسبت به ایران عوض می‌شود. یعنی تمام تبلیغات ایران هراسی منفی می‌شود. وی یادآور شد: لغو متقابل روایت بدیعی هم به طور طبیعی در دستور کار وزارت خارجه است اما آنچه‌ما در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری دنبال می‌کنیم این است که مردم همه کشورها بتوانند راحت به ایران بیایند.

اصغر فرهادی رئیس هیات داوران جشنواره فیلم «Les Arcs» شد

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستقل اروپایی «Les Arcs» در کشور فرانسه، اصغر فرهادی فیلمساز ایرانی را به عنوان رئیس هیات داوران خود انتخاب کرد. به گزارش اسپنا، جشنواره فیلم «Les Arcs» که در رشته کوه‌های آلپ برگزار می‌شود، اعلام کرد که اصغر فرهادی، سینماگر ایرانی که بواسطه دریافت دو جایزه اسکار، فیلمسازی شناخته شده در سطح بین‌المللی است در راس هیات داوران این رویداد سینمایی قرار خواهد گرفت. پانزدهمین جشنواره فیلم «Les Arcs» از ۱۶ تا ۲۳ دسامبر (۲۵ آذر تا دوم دی ماه) در منطقه بوردگ سن-موریس در رشته کوه‌های آلپ برگزار می‌شود. هدف این جشنواره ترویج سینمای اروپا از طریق نمایش فیلم‌های مستقل اروپایی است که کمتر به خارج از مرزهایشان صادر شده‌اند و همچنین تلاش در جهت ایجاد بازار فیلم اروپایی از طریق برگزاری نشست‌های حرفه‌ای با فعالان اصلی صنعت فیلم اروپا اعلام شده است. فرهادی پیش از این سابقه حضور به عنوان رئیس یا عضو هیات داوران جشنواره‌های مهمی از جمله برلین، کن و زوریخ را نیز در کارنامه دارد.

دو سینما در استان

کهگیلویه و بویراحمد افتتاح شد سینماهای شهرهای دنا و بهمئی با حضور محمد خزاعی، رئیس ستاد فرمان سینمایی و هاشم میرزاخانی، مدیرعامل موسسه سینماشهر دیروز سوم آبان افتتاح شد. به گزارش روابط عمومی موسسه سینماشهر، در راستای هدف گذاری سازمان سینمایی برای ارتقای ظرفیت‌های نمایش فیلم و توسعه زیرساخت سینمایی در استان‌ها، همکاری موسسه سینماشهر، سینما «سیمرغ» شهر «سی سخت» در شهرستان دنا و سینمای شهید «خوب» در شهرستان بهمئی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. بر اساس این گزارش، طی تفاهت‌نامه میان ستاد فرمان سینمایی و استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد برای تجهیز سالن‌های آملی تئاتر ادارات ارشاد شهرستان‌های سی سخت و بهمئی در سال گذشته و تبدیل به سالن سینما، سالن سینما سیمرغ سی سخت با ۲۸۰ صندلی و سینما شهید «خوب» در بهمئی با ظرفیت ۱۸۶ صندلی به نواختن نمایش کشور اضافه می‌شود.



بحران فزاینده گیشه و مخاطب در تئاتر این روزها

درباره نمایش‌های «هملت»، «تله و زیون» و «شبه خون» قابل قبول و تماشایی بر صحنه آمده و مخاطبان را امیدوار می‌کند. اما با تمام این تک درخشش‌ها همچنان هنگام نقد و تحلیل هر اجرایی بایستاز ضرورت بر صحنه آمدن و ارتباطش با اقتصاد تئاتر و رضایت مخاطبان پرسید. چرا که خیل عظیمی از تولیدات تئاتر این روزها، چیزی نیست به غیر از رزمه‌سازی و جنون کارگردان و بازیگر شدن، بی‌آنکه زحمتی کشیده شده باشد و یا خبری از ممارست و خلاقیت در میان باشد.

این هفته بنابر سنت این چند ماهه روزنامه توسعه ایرانی به سه اجرا می‌پردازیم که این شبها میزبان دوستداران هستند. اجراهایی از نسل جدید و تا حدودی قدیم تئاتر بر صحنه‌های متفاوت و گاه مشابه.

نمایش اول - هملت

اجرای الیکا عبدالرزاقی از نمایشنامه هملت شکسپیر با هنر جوانی جوان، خلاقانه و تماشایی است. دراماتورژی پارودیک این اجرا به فضایی مفرح و جسورانه میدان داده که هملت‌راز عبوس بودن و جدیت بیش از



محمدحسین خدایی

سالن‌های تئاتر خالی از چهره‌های تراز اول هنرهای نمایشی

بومرنگ بی مایگی سهمگین فرود می‌آید

مواجه هستیم که ممکن است کارگردان تصمیم بگیرد نمایشی بسازد به نام «موتور سیکلت سوار ۱» و بعد «موتور سیکلت سوار ۲». رازوی صحنه بی‌بازده. همین‌طور که نئون‌های سرخ و بنفش دور تا دور نمای بیرونی سالن خاموش و روشن می‌شود، تماشاگران بیرون می‌آیند و در لابی‌ها با جوانان فامیل‌شان که همین چند دقیق قبل روی صحنه بودند عکس یادگاری می‌گیرند. همراه هنرجویان از بازیگران درباره محتوای نسخه اول نمایش پرسیدیم، دو پسر حدوداً ۱۸ ساله پاسخ دادند: «شماره اول یک نمایش اجتماعی بود که هم تلخی داشت هم کمدی»، سوال بعداین بود که شماره دوم چیست؟ و آنها پاسخ دادند: «شماره دوم از نظر داستان ربطی به اولی ندارد ولی این یکی هم نمایش اجتماعی است که هم تلخی دارد هم کمدی شیرین». نمایش مورد نظر من «هوندا آدیداس» نام دارد و در تعریف و تمجید گروه از خودش که در سامانه فروش بلیت نوشته شده، می‌خوانیم: «شکان در ویشی بعد از تجربه دوم خود در حوزه کارگردانی با نمایش فیش آباد، این شب‌ها در سومین تجربه کارگردانی خود نمایش هوندا، آدیداس را روی صحنه برده است. اثری طنز که مانند تجربه‌ی قبلی او یک طنز اجتماعی است و نگاهی به مسائل روز جامعه دارد و حرف خود را با زبانی طنز بیان می‌کند. حضور گیتی معینی بازیگر قدیمی عرضه‌کننده در این اثر از نکات قابل توجه نمایش است». این‌ها نکات قابل توجه نمایشی بود که نسخه دوم از آن به صحنه آمده و چنان که اطلاعات تحقیقی به ما می‌گوید گروه باید به هربس حدود ۲۰ میلیون تومان اجاره به سالن پرداخت کند. ۳۰ شب اجاره مساوی با ۶۰۰ میلیون تومان درآمد که سخت‌توان از آن چشم‌پوشید. خوش‌بینانه می‌توان گفت نمایشی که تقریباً تمام اشاگر خدنداتی ندارد جز فامیل و دوست‌در نهایت مورد محبت مدیر قرار می‌گیرد و ۶۰۰ میلیون تومان نمیریزد - گر چه باسازو کار گرونه داشته‌اند چک ضمانت معیاد است - اما در نهایت این تصویری گویا از تئاتر هایی است که این روزها به صحنه می‌روند و بهای این حضور را از جیب می‌پردازند، اینکه در این میان مخاطب بهایی می‌پردازد برای هیچکس اهمیت ندارد. در مدبران اشاره نمی‌کنم چون در این چرخه هیچ کار ماند فقط هستند که باشند!

شب اخراجی/سالن نمایش

حالا چند دقیقه‌ای است که با هنر جوانان در برابر یکی از سالن‌های خصوصی ایستاده‌ایم. دیوار مجموعه فرهنگی واقع در محدوده خیابان نوفل لوشاتو مملو است از تبلیغ نمایش. اسامی نمایش‌ها غر بیاند، گرافیک پوست‌ها به همین صورت و اسامی دست‌اندر کاران غریب‌تر. در همین میان به نام نمایشی برمی‌خوریم که به مخاطب اعلام می‌کنند این «سرخه ۲» نمایشی است که مدتی قبل نسخه‌ی یکم‌اش روی صحنه رفته یعنی این روزها باید پدیدای

است با بازیگران جوان که فهم درستی از جهان ترازیک و کمیکی که خلق می‌کنند دارند.

نمایش سوم - شبه خون

حاصل همکاری محمد حاتمی در مقام بازیگر و کارگردان با نمایشنامه نویسی چون سهراب حسینی، نمایشی است به نام «شبه خون». یک تک‌گویی طولانی از مردی گرفتار زندان که همچون یک سوز به پسماندن بی‌وقفه حرف می‌زند و در باب همه چیز و همه کس نظر ورزی می‌کند. مشکل این اجرا مربوط است به شخصیت پردازی نمایش. اجرا نتوانسته شخصیتی بیافریند که به لحاظ تاریخی، تعیین پیدا کند و گویی با یک بدن روبرو هستیم که در خلا قرار گرفته و چندین هویت متفاوت را با تاب می‌دهد و با یک دهان چندین بدن را نمایش می‌کند. فردی که در زندان است و در حال خودبیین‌گری حاد، مدام از این شاخه و آن شاخه می‌پرد و به مخاطبان خویش اجازه نمی‌دهد به راحتی با او هم‌ذات‌پنداری کنند. گاهی البته یک بازیگر زن که گویا همسرش است از تاریکی بیرون آمده و در غیاب مرد، نکتاتی را بیان کرده و با داخل شدن به فضای محصور در پرده سفید رنگ صحنه، رقص سماع می‌کند. اما این حضور زنانه در نهایت کمک چندانی برای فهم مازاموقعیت این مرد نمی‌کند. اگرچه به حوادث تاریخی معاصر، روایت نکات با ماز از زندگی روزمره و اشاره به حوادث داخل سلول افرادی، استراژی فکتری اجرا است. یک التقاط گرایی پسماندن با مصرف بیش از اندازه جملات قصار و گزین‌گوییها، سهراب حسینی اگر خویشتن‌داری از خود نشان می‌داد و این گونه قدرت کلام و نوشتارش را به رخ نمی‌کشید می‌توانست نمایشنامه‌های خلاقانه‌تر بنویسد. اما شوربختانه این مصرف کلمات و منگوب کردن مخاطب به میانه‌جی بر تاب لا یقطع حرف و جمله، به وضعیتی متناقض ناخته شده که بدن بازیگر را تحت الشعاع قرار داده است. بدن محمد حاتمی نسبت درستی با فضای یک زندان ندارد و حتی حسنی از در بند بودن رهم منتقل نمی‌کند. به هر حال تئاتر بیش از کلام به بدن بازیگر نیاز دارد و کلام محوری نمایش «شبه خون»، بدن مندی شخصیت را به محاق برده است. تضعیف بدن مندی، فضا سازی را ناممکن می‌کند و تماشاگران را به ملال و خستگی می‌کشاند. «شبه خون» می‌توانست یک خطابه اجرا باشد و گزین‌گوییهاش را با فرمی پیشرو به سمت تماشاگران شلیک کند. محمد حاتمی به اندازه سجاد افشاریان در نمایش فضای زندان، با هویش نیست حتی اگر حضورش بیشتر از نمایش «یک تو بلک» زندان بودگی را برساند.



مدیران دولتی برای آرماسازی و ارائه بیلان است. روی دیگر سکه‌ی شیوه مدیریت در سالن‌های تئاتری، اجرایی با حضور رضا کبکیان در نقش اصلی که پیش از شروع اعتراض‌های سال ۱۴۰۱ تکیب متفاوتی داشت و بعد از برقراری آرامش نسبی بار دیگر به صحنه بازگشت. در خیر تنظیم شده توسط گروه آمد «نمایش پدر» نوشته فرویان زلر که با کارگردانی آروند دشت‌آزای از ۸ شهریور سال ۱۴۰۱ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت، علی‌رغم اینکه با استقبال مخاطبان همراه بوده به دلیل شرایط اجتماعی سال گذشته نتوانست اجرای عمومی خود را به صورت کامل سپری کند با ۲۱ اجرا مجموعه تئاتر شهر اترک کرد.



بله‌اگر سالن دار دولتی و غیر دولتی فروش است که اهمیت دارد و کسب درآمد. رسانه‌های دولتی هم گواهی می‌دهند مهم نیست افرادی که چه در عرصه نمایش نامه‌نویسی و چه در زمینه زیبایی شناسی صحنه و کارگردانی، تئاتر ایران را یک گام به جلو رانده‌اند امروز غایب صحنه باشند، مهم بر شدن سالن‌ها است به هر قیمت: «کیومرث مرادی بعد از مدت‌ها با نمایش «تنهایی و تن‌هایی وطن‌هایی» روی صحنه برگشته؛ نمایشی به نوبستندگی سجاد افشاریان که خودش هم به عنوان بازیگر روی صحنه حضور دارد. به نظر می‌رسد نام و حضور افشاریان در میان کسب‌یک نمایش حالا تضمینی برای فروش شده است. این نمایش که اجرائیش از نهم مهر ماه شروع شده به مدت دو ماه در ایران شهر روی صحنه است و با توجه به تعداد اجرائیش در سایت فروش بلیت روزهای پر شده زیاد دارد.» و گذر زمان نشان خواهد داد که تئاتر ایران چگونه به خاطر تماشاگرانی که در این چرخه معیوب از دست می‌دهد متضرر خواهد شد؛ و زمان است که بعد از مامی گوید خانه‌نشین کردن و مجوز ندادن به نمایشنامه‌ها، نمایشنامه‌نویسان و کارگردان تراز تئاتر ایران چه صدمات جبران‌ناپذیر فرهنگی به دنبال می‌آورد. کافی است به سردر سینماها و تبلیغات فیلم‌های هجویی مایه‌نگاه کنید، مشابه همین وضعیت - ساختن نمایش‌های پر فروش - بر تئاتر حاکم شده و این بی‌مایگی چون بومرنگ چرخ می‌خورد و سهمگین بر سر جامعه فرود می‌آید.

روز اخراجی/تئاتر شهر

نمایش «پدر» به یقین جزو انگشت شمار دست‌مایه‌های